

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه اخلاص

استاد ضرابی مرداد ۱۳۹۹

جلسه چهارم

آیه شریفه: «الله الصمد»

عنوان: معنای لغوی صمد:

معنای کلمه (صمد) قصد کردن و یا قصد کردن با اعتماد است، وقتی گفته می شود: (صمده، یصمده، صمدا) معنایش این است که فلانی قصد فلان کس یا فلان چیز را کرد، در حالی که بر او اعتماد کرده بود. دیگر اینکه: "صمد" به معنای چیزی است که تو خالی نیست، بلکه پر است. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن ج ۱ ص ۴۹۲)

بعضی از مفسرین این کلمه را - که صفت است - به معانی متعددی تفسیر کرده اند که برگشت بیشتر آنها به معنای زیر است:

«سید و بزرگی که از هر سو به جانبش قصد می کنند تا حوایجشان را برآورد» چون در آیه مورد بحث، مطلق آمده همین معنا را می دهد، پس خدای تعالی سید و بزرگی است که تمامی موجودات عالم در تمامی حوائجشان او را قصد می کنند.

ای دل اهل ارادت بتو شاد به تو نازم که مریدی و مراد

عنوان: توحید صمدی

«الله الصَّمَدُ»: آیه قبل خود را توضیح بیشتری می دهد و می گوید خداوند احد، صمد است. یگانگی او بگونه ای است که همه چیز را شامل می شود.

به فرمایش امیر مؤمنان: «الأحد بلا تأویل عدد» او یکی است، اما نه آن یکی که از مقوله عدد است. (نهج البلاغه / خطبه ۱۵۲)

به ما می‌فهماند که توحید مقصود نظر سوره مبارکه اخلاص، توحیدی است که صمدی باشد؛ یعنی کافی نیست که بگویی خدا یکی است، بلکه باید هر کمالی و هر تأثیری را از او بدانی و مؤثری غیر او در وجود نبینی.

در مثال: در و دیوار اگر روشن و پر نور باشند تو باید خورشید را پر نور بدانی و اگر در و دیوار بگویند این روشنایی از خود ماست آفتاب خواهد گفت اگر من نباشم آنگاه معلوم می‌شود این نور از کیست.

گر شود پر نور روزن یا سرا	تو مدان روشن مگر خورشید را
ور در و دیوار گوید روشنم	پرتو غیری ندارم من منم
پس بگوید آفتاب ای نا رشید	چونکه من غایب شوم آید پدید

توحید صمدی همان تعریفی است که در باره بسیط الحقیقة گفته می‌شود: «کل الأشياء و لیست بشئ منها - همه اشیا و هیچکدام از آنها نیست» «الذی لا یشذ عنه وجود و لا کمال وجودی - هیچ وجودی و هیچ کمال وجودی از او قابل سلب نیست» و هرآنچه در عالم وجود یافت شود، مثل علم و قدرت، ... و هرچه هست از اوست. در عین حال هیچ نقص و عیبی و هیچ شر و بدی قابل نسبت به او نیست.

این معنا آنقدر قابل و شایسته تأمل است که اگر همه عمر را در معرفت آن صرف کنیم باز هم کم است چرا که جز رسیدن به توحید و اسرار آن مقصد و منظوری در کار نیست.

توحید صمدی در تعبیر امام علی (علیه السلام)، تعبیر خاصی است، می‌فرماید: «مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُقَارَنَةٍ وَ غَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُزَايَلَةٍ». (نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۱) یعنی با همه چیز هست ولی نه به این نحو که جفت و قرین چیزی واقع شود و در نتیجه آن چیز قرین و همدوش او باشد و مغایر با همه چیز است و عین اشیا نیست ولی نه به این وجه که از اشیا جدا باشد و وجودات اشیا مرزی برای ذات او محسوب شود. با این تعبیر حضرت، نه تنزیه محض و نه تشبیه پیش می‌آید.

جهان جمله فروغ نور حق دان	حق اندر وی ز پیدائست پنهان
خرد را نیست تاب نور آن روی	برو از بهر او چشم دگر جوی

(غیر از دو دوتا چهار تای عقل، عقل چطور می‌فهمد و درک می‌کند.)

ظهور جمله اشیاء به ضدست	ولی حق را نه مانند و نه ندست
چو نبود ذات حق را ضد و همتا	نمی دانم چگونه دانی او را
اگر خورشید بر يك حال بودی	شعاع او بیک منوال بودی
ندانستی کسی کاین پرتو اوست	نبودی هیچ فرق از مغز تا پوست
چو نور حق ندارد نقل و تحویل	نباشد اندر او تغییر و تبدیل
تو پنداری جهان هست دایم	بذات خویش پیوسته قائم

عنوان: بنده با عبادت «خداوند صمدان غیر او بی نیاز می شود

در حدیثی امام صادق (علیه السلام) از امام حسین (علیه السلام) نقل می کنند که آن حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَكَرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ، فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ - خداوند متعال بندگان خود را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند، و پس از معرفت، او را پرستش کنند و با عبادت او، از پرستش غیر او بی نیاز گردند. » (بحار الانوار ج ۵ ص ۳۱۲ ح ۱) یعنی اینکه به بندگان رسم بی نیازی از غیر خدا را می آموزد.

مرغ روحم که طایر قدس است	زین قفس رها شود چه شود؟
چون حجاب من از منست اگر	این من از من جدا شود چه شود؟
این سبو بشکند در این دریا	بحر بی منتها شود چه شود؟

عنوان: تفسیر روایت از صمد

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق ع شنیدم که : «إِنَّ الْيَهُودَ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالُوا أَنْسِبَ لَنَا رَبَّكَ فَلَبِثَ ثَلَاثًا لَا يُجِيبُهُمْ ثُمَّ نَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ إِلَى آخِرِهَا فَقُلْتُ لَهُ مَا الصَّمَدُ فَقَالَ الَّذِي لَيْسَ بِمُجَوَّفٍ - یهودیان [در برخی نقل ها: مشرکان] از رسول خدا خواستند که اصل و نسب خدایت را برای ما بگو. سه روز جوابشان را نگفت تا سوره توحید نازل شد. ... از ایشان سوال کردم: «صمد» یعنی چه؟ فرمود: چیزی که تو خالی نباشد. (الکافی ط - الاسلامیه، ج ۱ ص ۹۱)

امام حسین (علیه السلام) در حدیثی برای «صمد» پنج معنا بیان فرموده اند:

"صمد" کسی است که در منتهای سیادت و آقایی است. "

صمد" ذاتی است دائم ازلی و جاودانی. "

صمد" وجودی است که جوف ندارد.

صمد" کسی است که نمی خورد و نمی آشامد.

صمد" کسی است که نمی خوابد.

در عبارت دیگری آمده: «صمد کسی است که قائم به نفس است و بی نیاز از غیر.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۳)

امام حسین (علیه السلام): «خداوند خودش «صمد» را تفسیر فرموده است: «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»؛ (این سخن امام حسین علیه السلام مستند عرضی است که در گذشته داشتیم که هر آیه آیه قبل را تفسیر می کند.) نه زاده، و نه زاده شد و احدی مانند او نیست.. آری خداوند "صمد" کسی است که از چیزی به وجود نیامده، و در چیزی وجود ندارد، و بر چیزی قرار نگرفته، آفریننده اشیاء و خالق آنها است، همه چیز را به قدرتش به وجود آورده، آن چه را برای فنا آفریده به اراده اش از هم متلاشی می شود، و آن چه را برای بقاء خلق کرده به علمش باقی می ماند، این است خداوند صمد...» (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۸۹)
امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «صمد» کسی است که شریک ندارد، و حفظ چیزی برای او مشکل نیست، و چیزی از او مخفی نمی ماند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۲۳)

از امام علی (علیه السلام) در باره «صمد» سؤال شد و ایشان فرمودند: «تأویل صمد آن است که او نه اسم است و نه جسم، نه مانند و نه شبیه دارد، نه صورت و نه تمثال، نه حد و حدود، نه محل و نه مکان، نه "کیف" و نه "این"، نه این جا و نه آن جا، نه پُر است و نه خالی، نه ایستاده است و نه نشسته، نه سکون دارد و نه حرکت، نه ظلمانی است نه نورانی، نه روحانی است و نه نفسانی، و در عین حال هیچ محلی از او خالی نیست، و هیچ مکانی گنجایش او را ندارد، نه رنگ دارد و نه بر قلب انسانی خطور کرده، و نه بو برای او موجود است، همه این ها از ذات پاکش منتفی است.» (بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۳۰، ح ۲۱)

خلاصه آنکه: هر چه را می بینی و می شنوی و هم آنچه را با قوای ظاهری و باطنی ات ادراک می کنی، در نظر داشته باش که خدای تو خالق همه آنهاست و در عوالم دیگر تا ابد نیز چنین خواهد بود.

اما خوش آن روزی که خدایت را در آئینه تمام نمای انسان کامل ببینی ، آئینه ای که به تمام معنا از خود فانی و نمایشگر محبوب عالمیان، رفیق اعلی و حضرت دوست است. آئینه تمام نمایی که همه سکنه آسمان و زمین را محو جمال خدای هستی بخش کرده و به سجده درآورده و هر چیزی را به اوج کمال خود و لذتش، رسانیده است.

تا بگویم وصف حالی زان جمال
هر دو عالم چیست عکس خال او

يك زمان بگذار ای همره ملال
در بیان ناید جمال حال او

چونکه من از خال خوبش دم زنم

نطق می خواهد که بشکافد تتم